

پرسشهای بیجا

پرسش از احکام و معارف اسلام، به منظور فهم و آگاهی بیشتر، نه تنها اشکال ندارد، بلکه مطلوب هم هست، اما پرسش‌های بیجا یا موزیانانه، کار درستی نیست. در این مقاله با پرسشهای بیجا و پیامدهای آنها آشنا می‌شویم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَشَوْكُمْ وَإِن تَسْأَلُوا
عَنْهَا حِينَ يَنْزِلَ الْقُرْآنُ تَبَدَّلَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَ اللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ * قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ
مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهایی نپرسید که اگر بر شما آشکار شود، شما را ناراحت می‌کند و اگر هنگامی که قرآن نازل می‌شود از آنها پرسید، بر شما آشکار می‌شود، خدا آنها را بخشیده و خدا آمرزنده بردبار است. همانا آن را گروهی که پیش از شما بودند پرسیدند و سپس به آن کافر شدند.
سوره مائده آیه ۱۰۱-۱۰۲

در عصر پیامبر کسانی از اصحاب، پرسشهای بیجایی از پیامبر خدا می‌کردند که

دانستن پاسخ آنها به نفعشان نبود مثلاً می پرسیدند که پدر من کیست؟ یا می پرسیدند: من چه وقتی خواهم مرد؟ و یا می پرسیدند: پدر من که مرده اکنون در کجاست؟ معلوم است که دانستن پاسخ چنین سؤالهایی ناراحت کننده است و ای بسا باعث انجام کارهای خلاف و یا از بین رفتن امید به زندگی می شود و گاهی پرسشهایی درباره احکام شرع داشتند که آن نیز به نفعشان نبود و وسعتی را که خداوند داده بود می خواستند با پرسشهای مکرر خود محدود کنند. مثلاً وقتی پیامبر (ص) از وجوب حج سخن گفت یکی از اصحاب پرسید: آیا حج هر ساله واجب است؟ و پیامبر به او تذکر داد که پرسش بی موردی است و اگر در پاسخ بگویم آری، شما به زحمت خواهید افتاد (مشروح این حدیث، در ادامه، در بخش چند روایت خواهد آمد) بدتر اینکه گاهی این پرسشها از روی مسخره و یا امتحان کردن پیامبر بود.

این آیه مسلمانان را از این نوع پرسشها منع می کند و می فرماید: ای مؤمنان! از چیزهایی نپرسید که اگر بر شما آشکار شود باعث ناراحتی شما می گردد.

در عالم، واقعیتهایی وجود دارد که ناآگاهی از آنها برای انسان بهتر است مثلاً مرضی که بیماری مهلکی دارد، برای او بهتر است که از نوع بیماری خود خبر نداشته باشد و یا کسانی که با انسان معاشرت دارند ممکن است فرزند نامشروع باشند و یا دارای بعضی از صفات بسیار زشت باشند که مخفی کرده اند. فاش شدن آنها انسان را دچار ناراحتی شدید می کند. درباره احکام هم بنای خداوند بر توسعه و تسامح است و نباید با پرسشهای مکرر دایره آنها را به ضرر خود محدود کرد، همان کاری که بنی اسرائیل در جریان کشتن گاو کردند و با پرسشهای مکرر، خود را به زحمت انداختند.

البته پرسشهایی که صرفاً برای فهم بیشتر باشد نامطلوب نیست و باید انسان چیزهایی را که نمی داند و مفید به حال اوست از کسانی که می دانند بپرسد و پرسش، مقدمه علم است و قرآن می فرماید:

«واستلوا اهل الذکر ان کتتم لاتعلمون» (نحل/۴۳)

«از صاحبان ذکر بپرسید اگر نمی دانید».

در آیه مورد بحث هم در عین حال که از آن نوع پرسشهای بیجا نهی می کند، در ادامه می فرماید: اگر شما در هنگام نزول قرآن از چیزهایی بپرسید، به شما پاسخ داده خواهد شد. یعنی اگر مطلبی را در آیه ای نفهمیدید و آن را پرسیدید به شما جواب داده می شود و این گونه پرسشها منعی ندارد بلکه به مقتضای آیه ۴۳ سوره نحل که آوردیم مطلوب هم هست.

اینکه پرسش هایی را که پاسخ آنها داده خواهد شد مقید به زمان نزول قرآن می کند، اشاره به این مطلب است که پرسش های شما باید در زمینه فهم معارف قرآنی باشد تا آیات قرآن را به درستی بفهمید و شما از پیامبر خدا مطالب بی فایده را نپرسید. در زمان نزول قرآن ارتباط پیامبر با عالم غیب محکم تر می شود و او با علم و آگاهی بیشتری به سؤال ها پاسخ می دهد.

در ادامه آیه می فرماید: خدا از آن اشیاء که مورد سؤال شماست عفو کرده است، یعنی آنها چیزهایی است که خدا بر شما بخشیده و در آن توسعه داده است و شما نباید با پرسش های مکرر خود، خود را در محدودیت و تنگنا قرار بدهید. شاید هم منظور از عفو خدادر اینجا این باشد که خداوند پرسش های بیجای شما را که تا به حال کرده اید می بخشد، از این پس دیگر از این گونه پرسش ها خودداری کنید. پس از بیان این مطلب، غفور و رحیم بودن خدا را خاطر نشان می سازد.

در آیه بعدی از گروهها و اقوامی یاد می کند که در گذشته زندگی می کردند و آنها هم از پیامبر خود پرسش های بی موردی داشتند و چیزهایی را پرسیدند که چون پاسخ شنیدند، به آن کافر شدند و آن پرسش ها باعث بدبختی آنان گردید.

در تاریخ اقوام پیشین از این نوع پرسش‌ها زیاد سراغ داریم مانند پرسش قوم بنی اسرائیل از اوصاف آن گاوی که مأمور به کشتن آن بودند. یا پرسش آنها از حضرت موسی که خدا را آشکارا به آنها نشان بدهد. یا پرسش قوم صالح دربارهٔ ناقهٔ صالح که چون پاسخ گرفتند، آن ناقه را پی کردند در حالی که از کشتن آن نهی شده بودند. یا پرسش قوم عیسی که از او خواستند که از آسمان برای آنها غذا و مانده نازل شود و پس از نزول آن بعضی از آنها کافر شدند.

در اینجا توجه خوانندگان عزیز را در تبیین و توضیح مفهوم این آیات، به چند روایت از معصومین (ع) جلب می‌کنیم:

۱- روزی پیامبر خدا خطبه‌ای خواند و فرمود: خداوند حج را بر شما واجب کرده است. در این هنگام عکاشهٔ بن محصن به پاخواست و عرض کرد: آیا در هر سال واجب است؟ پیامبر روی خود را از او برگردانید. او دوبار یا سه بار این سؤال را تکرار کرد. پس پیامبر فرمود: وای بر تو از کجا می‌دانی که من نخواهم گفت آری!؛ به خدا سوگند اگر بگویم آری بر شما واجب می‌شود و اگر واجب شود توانایی آن را نخواهید داشت و اگر آن را ترک کنید کافر می‌شوید، پس شما مرا به حال خود رها کنید همانگونه که من شما را رها می‌کنم. امت‌های پیشین از آن جهت هلاک شدند که زیاد سؤال کردند و با پیامبران خود اختلاف نمودند. پس هرگاه من شما را به چیزی امر کردم، آن مقدار که قدرت دارید آن را به جای آورید و اگر شما را از چیزی نهی کردم، از آن دوری کنید.^(۱)

۲- عن علی (ع) قال: ان الله افترض عليكم فرائض فلا تضيّعوها وحد لكم حدوداً فلا تعدوها و نهاكم عن اشیاء فلا تنتهکوها و سکت لكم عن اشیاء ولم یدعها نسیاناً فلا تتکلفوها.^(۲)

امیر المؤمنین (ع) فرمود: خداوند بر شما واجباتی را واجب کرده پس آنها را ضایع

۲- نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۰۵.

۱- مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۸۶.

نکنید و برای شما حدودی را تعیین نموده پس، از آن تجاوز نکنید و شما را از چیزهایی نهی کرده پس حرمت آنها را پاس بدارید و از چیزهایی هم ساکت شده ولی آنها را از جهت فراموشی رها نکرده پس خود را در مورد آنها به زحمت نیندازید.

۳- امام رضا (ع) در نامه‌ای به احمد بن محمد نوشت:

اولم تنهوا عن كثرة المسائل فابیتم ان تنتهوا. ایاکم و ذلك فاتمنا هلك من كان قبلکم بکثرة سؤالهم فقال الله: «یا ایها الذین آمنوا لاتسئلوا عن اشیاء ان تبدلکم تسؤکم»^(۱)

آیا شما از کثرت پرسش کردن منع نشده‌اید؟ ولی شما از آن اجتناب نمی‌کنید. بهره‌یزید از آن زیرا کسانی که پیش از شما بودند به خاطر کثرت سؤالشان هلاک شدند، پس خدا فرمود: ای مؤمنان از چیزهایی نپرسید که اگر بر شما آشکار شود، شما را ناراحت می‌کند.

۴- عن ابی جعفر (ع) قال: ان رسول الله نهی عن القیل و القال و الفساد و المال و كثرة السؤال.^(۲)

امام باقر (ع) فرمود: پیامبر خدا از قیل و قال و تباه کردن مال و کثرت سؤال نهی کرد.